

عناصر اساسی نظام یکپارچه مدیریت ریسک



○ ریسک منابع انسانی شکلی ظریف از ریسک است که به سیاست‌های پرسنلی مربوط می‌شود.

جدید نیز نظارت و مدیریت ریسک در صنعت بانکداری وجود داشت، اما توجهات اخیر مقررات‌گذاران بر توانایی بانک‌ها در اندازه‌گیری تأثیر کلیه ریسک‌ها به صورت یک مجموعه یکپارچه بر فعالیت آنها متمرکز شده است. یک «نظام یکپارچه مدیریت ریسک» علاوه بر تصاویر عملکردی (ولی کوچکتری) که از ادارات ذیربط مانند ادارات اعتباری، خزانه و غیره ارایه می‌کند، یک دید کلی از حد ریسک‌پذیری (Exposure) بانک را نیز فراهم می‌آورد. قسمت عمده این مقاله دو موضوع

مالی بدون چنین تطبیقی، به احتمال زیاد با شرایطی روبرو خواهد شد که امکان ادامه فعالیت و در نهایت، ادامه حیاتش مورد تهدید قرار خواهد گرفت. ورشکستگی‌های بانکی اخیر، به ویژه موارد BCCI و Brings، افزایش هوشیاری بانک‌ها و مقررات‌گذاران را برای نظارت بیشتر ریسک‌های مربوطه در صنعت بانکداری موجب شده است. متعاقب این امر، مقررات جدیدی به اجرا گذاشته شده تا مدیریت و نظارت بر ریسک را در بانک‌ها، به ویژه در کشورهای گروه ده^(۱) تقویت کند. اگرچه قبل از وضع مقررات

مقدمه

مدیر Arab Bank PLC در سخنرانی خود در مجمع عمومی این بانک تأکید داشت که انعطاف مؤسسات مالی به منظور مواجهه موفقیت آمیز با چالش‌ها و تغییرات دنیای فردا یکی از ضروریات است. مدیریت حرفه ای ریسک‌ها یکی از مهمترین حوزه‌هایی است که مستلزم انطباق مؤسسات مالی با شرایط جدید بوده تا بتوانند پیچیدگی روزافزون ناشی از مقررات، مشتریان و فن‌آوری را درک کرده و به طور کارآمد فعالیت کنند. یک مؤسسه

اصلی را بررسی می‌کند: اول، ریسک‌هایی که هر مؤسسه مالی برای موفقیت در کار خود باید با آنها مقابله نماید و دوم، شرح مختصری از عناصر اصلی یک نظام یکپارچه موفق مدیریت ریسک در مؤسسات مالی.

ریسک در مؤسسات مالی

ریسک در یک مؤسسه مالی عبارتست از عدم اطمینان نسبت به نرخ مورد انتظار بازدهی دارایی‌ها. اگر نخواهیم پذیرای ریسک باشیم، حیات صنعت بانکداری نیز ممکن است دچار وقفه شود. با توجه به این واقعیت که بانک‌ها بخش عمده‌ای از وجوه خود را در دارایی‌های حساس به نرخ بهره (عمدتاً وام‌ها) سرمایه‌گذاری می‌کنند، از اینرو با انواع مختلفی از ریسک مواجهند که می‌توان آنها را در قالب دو مقوله کلی طبقه‌بندی کرد: (۱) ریسک بازار محصول (۲) ریسک بازار سرمایه. ریسک کلی هر بانک را می‌توان با ترکیب این دو مقوله برآورد کرد.^(۲)

الف- ریسک بازار محصول

ریسک بازار محصول، جنبه‌های راهبردی و عملیاتی مدیریت درآمدها و هزینه‌های عملیاتی را نشان می‌دهد. اجزای اصلی ریسک‌های بازار محصول عبارتند از:

- ریسک اعتباری (ریسک قصور در بازپرداخت)

- ریسک راهبردی (تجاری)

- ریسک مقرراتی

- ریسک عملیاتی

- ریسک کالای خاص

- ریسک منابع انسانی

- ریسک قانونی

- ریسک محصول

ریسک اعتباری معمولا مهمترین بخش از ریسک کلی یک بانک است. لذا منطقی است که مدیریت ریسک اعتباری را از مدیریت سایر اجزای ریسک بازار محصول تفکیک کنیم. در ادامه، به بررسی

مختصر انواع ریسک‌های مذکور پرداخته شده است.

ریسک اعتباری (قصور در پرداخت):

این ریسک ناشی از این احتمال است که وام‌گیرنده قادر و یا مایل به پرداخت منظم اصل و فرع بدهی خود نباشد و از پرداخت آن قصور ورزد. یک ریسک اضافی مرتبط با ریسک اعتباری عبارتست از کاهش ارزش یک دارایی مالی به واسطه ناتوانی یا عدم تمایل وام‌گیرنده به پرداخت بدهی خود.

ریسک راهبردی (تجاری): ریسک

راهبردی ریسکی است که کل تجارت در نتیجه رقابت یا منسوخ شدن فرو می‌باشد. به عنوان مثال، از دهه ۱۹۸۰ با جایگزین شدن اوراق تجاری به جای وامدهی کم‌ریسک و کلان شرکتی، آن دسته از بانک‌هایی که تأکید زیادی بر وام‌های کلان شرکتی داشتند، با این نوع ریسک مواجه

○ اگر نخواهیم پذیرای ریسک باشیم، حیات صنعت بانکداری نیز ممکن است دچار وقفه شود.

شده‌اند. ریسک‌های تجاری از هر دو طریق ورود خیلی سریع به فعالیت‌های تجاری و باقیماندن در یک حوزه فعالیت تجاری به مدت طولانی ناشی می‌شوند. این مقوله ریسک بیانگر اهمیت فزاینده برنامه‌ریزی راهبردی برای بانک‌ها در سراسر جهان می‌باشد.

ریسک مقرراتی: ریسک مقرراتی از

جمله ریسک‌هایی است که در خدمات مالی وجود داشته و از سه مقوله کلی تغییر مقررات به شرح زیر ناشی می‌شود:

- تغییر در مقررات در قبال یک شرکت ذینفع (ریسک مربوط به کسب مجوز و لغو آن).

- تغییر در سیاست‌های عملیاتی مقامات تدوین‌کننده مقررات (مثل ریسک استهلاک ارزش از طریق قوانین مباحثه).

- تغییر در مقررات کفایت سرمایه (ریسک مقرراتی مربوط به مجازات‌ها،

جریمه یا تعطیلی).

ریسک عملیاتی: ریسک عملیاتی

بیانگر خطری است که طی آن سیستم‌ها در نتیجه زیان‌های سرمایه‌ای یا کاهش ارزش، قادر به انجام صحیح وظایف نخواهند بود. به عنوان مثال، اشکال در پردازش داده‌ها که می‌تواند اتفاقی یا ناشی از عوامل خاص باشد، می‌تواند موجب توقف ارائه خدمات بانک به مشتریان و در نتیجه، موجب زیان بانک شود.

ریسک کالای خاص: نوسان

قیمت مواد اولیه و محصولات کشاورزی می‌تواند اثراتی منفی به همراه داشته باشد. این اثرات یا از طریق ریسک نهادی عملیات تجاری مشتریان است یا از بابت اثرات نرخ‌های بهره. به عنوان مثال، هر دو اثرات خرد و کلان اقتصادی افزایش قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ و کاهش قیمت آن در دهه ۱۹۸۰ آثاری منفی بر بانک‌ها گذاشتند.

ریسک منابع انسانی: این ریسک،

شکلی ظریف از ریسک است که به سیاست‌های پرسنلی یک شرکت مانند استخدام، آموزش، انگیزش و حفظ کارمندان مربوط می‌شود. ریسک‌های منابع انسانی به اشکال مختلفی مانند ریسک از دست‌دادن کارکنان کلیدی، ریسک انگیزش ناکافی یا غلط در بین کادر مدیریتی و غیره بروز می‌نماید.

ریسک قانونی: ریسک قانونی

عبارتست از ریسکی که طی آن سیستم قانونی، دارایی‌های سهامداران بانک‌ها را مصادره کند. به طور مثال، این نوع ریسک مسایلی همچون طرح دعوی حقوقی علیه بانک‌ها را برای مواردی مثل رفع آلودگی مستغلاتی که تحت تملک آنها در می‌آیند، در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، ممکن است بانکی طبق تشخیص و الزام قانون، مسوول پاک‌سازی سمی قطعه زمینی شود که به دلیل ناتوانی بدهکار به تملک بانک درآمده است. اگرچه به نظر می‌رسد که این موضوع کمی بی‌ربط بوده و برآورد آن تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد، ولی به هر حال مقوله‌ای از ریسک است که باید

در مدنظر مدیریت بانک قرار داشته باشد.

ریسک محصول: احتمال منسوخ یا غیر رقابتی شدن خدمات مالی را ریسک محصول می‌گویند. نمونه‌ای از این نوع ریسک عبارتست از ریسک زیان ناشی از سرمایه‌گذاری نادرست در بخش تحقیق و توسعه (R&D). مثلاً در زمینه خدمات مالی، مورد بکارگیری ماشین‌های خودپرداز (ATM) که همزمان از سوی شرکت‌های سازنده و بانک‌ها گسترش یافت، یکی از موارد ریسک محصول بشمار می‌رود. وقتی برتری ماشین‌های شرکت‌ها بر ماشین‌های بانک‌ها به اثبات رسید، بانک‌ها با چنین ریسکی مواجه شدند. در حال حاضر، با ظهور اینترنت، بهبود خدمات مالی یک نوع ریسک جدی محصول برای بانک‌ها به شمار می‌آید.

ب) ریسک بازار سرمایه

بانک‌ها علاوه بر ریسک‌های بازار محصول با ریسک‌های بازارهای سرمایه‌ای که در آنها کار می‌کنند نیز مواجه هستند. ریسک‌های عمده بازار سرمایه را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

- ریسک نرخ بهره
- ریسک مبنا (basis risk)
- ریسک نقدینگی
- ریسک ارزی (currency risk)
- ریسک سیستم پرداخت‌ها

ریسک نرخ بهره: این ریسک

عبارتست از احتمال کاهش ارزش یک دارایی بهره‌دار (مثل وام بانکی) در اثر تغییر نرخ‌های بهره در بازار. تغییر حاصل در ارزش دارایی در اثر نوسانات نرخ بهره تابعی است از میزان تغییر در نرخ و سررسید دارایی. اگرچه در شرایط حاد، نوسانات نرخ بهره می‌تواند به بحران نقدینگی منجر شود، اما تأثیر بالقوه این نوع ریسک بسیار وسیع‌تر از مسأله نقدینگی است.

ریسک مبنا: این ریسک، که

مستقیماً در ارتباط با موضوع ریسک نرخ بهره می‌باشد، عبارتست از ریسک واکنش قیمت ابزارهای مالی به تغییر نرخ‌های بهره در بازار نقدی به شکلی متفاوت از واکنش

قیمت‌ها در بازار معاملات آتی.

ریسک نقدینگی: مهمترین ریسک بازار سرمایه عبارتست از ریسک نقدینگی ناکافی برای ایفای تعهدات مالی. این ریسک بیانگر آن است که بانکی برای پرداخت مطالبات در زمان سررسید سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان خود، از منابع نقدی یا دارایی قابل فروش کوتاه‌مدت کافی بهره‌مند نباشد.

ریسک ارزی: ریسک ارزی احتمال

زیان در یک وضعیت غیرپوششی در اثر افزایش یا کاهش ارزش یک پول خارجی می‌باشد. ریسک ارزی مقوله‌ای از ریسک است که هم بر بازارهای محصول و هم بر بازارهای سرمایه تأثیر می‌گذارد.

ریسک سیستم پرداخت‌ها: ریسک

مدیریت یکپارچه ریسک فرایندی است که یک بانک را قادر می‌سازد تا کلیه ریسک‌های خود را به طور همزمان اندازه‌گیری و مدیریت کند.

مذکور بیانگر این احتمال است که ورشکستگی یا ناتوانی یک بانک بزرگ در پرداخت تعهدات خود، در یک شبکه انتقال تلگرافی «اثر دومینویی»^(۳) بر سایر بانک‌ها گذاشته و ورشکستگی بانک‌های دیگر را باعث شود.

هر مؤسسه مالی کارآمد باید هدف خود را بر نظارت و مدیریت تمامی عناصر ریسک در یک چارچوب دقیقاً تعریف شده بنا کند. عناصر اصلی مدیریت ریسک در بخش بعدی مورد بحث قرار گرفته اند.

عناصر اصلی یک نظام یکپارچه و موفق مدیریت ریسک

برای ایجاد یک نظام یکپارچه و موفق مدیریت ریسک باید بر اهمیت نیاز به فلسفه مدیریت سطح بالا و حمایت از

تجدید ساختار مؤسسه مالی برای خلق یک مؤسسه بهینه مبتنی بر ریسک تأکید شود. بدون وجود تعهدی قوی، خلق یک محیط یکپارچه کنترل ریسک امکان‌پذیر نخواهد بود.

کمیته "تنظیم کننده مقررات سرمایه‌ای بانک تسویه‌های بین‌المللی" (۴) در سال ۱۹۹۸ به مؤسسات مالی چندملیتی اجازه داد که برای محاسبه میزان سرمایه قانونی لازم از مدل‌های داخلی اندازه‌گیری ریسک بازار مخصوص خود استفاده کنند.

این مقررات می‌تواند نقطه شروع خوبی برای ایجاد نظام یکپارچه مدیریت ریسک باشد. در واقع، پیچیدگی فزاینده خدمات مالی در بازارهای مرتبط به هم و همبستگی شدید میان عناصر تجاری، مؤسسات مالی را به حرکت به سوی

استانداردسازی شیوه مدیریت ریسک خود واداشته است.

مدیریت یکپارچه ریسک فرآیندی است که یک بانک را قادر می‌سازد تا کلیه ریسک‌های خود را به طور همزمان اندازه‌گیری و مدیریت کند. این فرآیند همچنین ابزارهای لازم برای ارزیابی پرتفوی بانک را با استفاده از مقوله‌های یکپارچه بازدهی تعدیل شده نسبت به ریسک، فراهم می‌نماید. لازمه اساسی چنین نظامی، ایجاد یک ابزار اندازه‌گیری استاندارد و پذیرفته شده عمومی است تا مدیریت بانک بدان طریق قادر باشد بین امتیاز هر معامله در طیفی از ریسک و بازده تمایز قابل شود. هر واحد اندازه‌گیری یکپارچه می‌تواند بر مبنای مشترک و با استفاده از متدولوژی "ارزش تحت ریسک (Value At Risk - VAR) محاسبه شود.

بانک‌ها برای رسیدن به یک معیار یکپارچه ریسک باید معیارهای ریسک بازار تجاری (معاملات)، ریسک اعتباری و نهایتاً ریسک‌ها عملیاتی را با یکدیگر تلفیق کنند. بدین منظور، مؤسسه مالی ذیربط باید یک چارچوب بسیار مناسب و یکپارچه برای مدیریت کل ریسک داشته باشد. این چارچوب باید موارد زیر را در

نگرش بانک به برآورد زیان اعتباری مورد انتظار، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. همچنین، توصیه می‌شود که تعدیلات اضافی باید علاوه بر هزینه‌های تامین مالی و سرمایه‌گذاری، در مورد "هزینه‌های نهایی کردن" (Finalization Costs) (مثل حذف ریسک بازار) نیز انجام شود.

پ) زیربنای مدیریت ریسک: برای پی‌ریزی یک نظام یکپارچه مدیریت ریسک، فقط متدولوژی و سیاست‌ها کافی نبوده و برای تکمیل این فرآیند و موثر بودن آن، یک زیربنای مناسب نیز باید وجود داشته باشد. زیربنا یا زیر ساخت از چندین لایه مختلف تشکیل شده است که در رأس آن، افراد ذریبیط قرار دارند. این افراد با مهارت زیاد و آموزش‌های مناسب خود عملاً تأثیر اصلی را، با در نظر گرفتن نتایج مورد انتظار مبتنی بر قضاوت بهتر و تصمیمات صحیح خود، برجای می‌گذارند. توانمایی مؤسسه مالی در یکپارچه سازی عملیات و تکنولوژی مدیریت ریسک، عنصری کلیدی است که برای مدیریت موفق ریسک امری بسیار حیاتی بشمار می‌آید. نظام مدیریت ریسک یکی از اجزای لازم و تشکیل دهنده زیرساخت برنامه یکپارچه مدیریت ریسک است. مؤسسات موفق مالی باید از توان بکارگیری تکنولوژی پیچیده در امور مدیریت ریسک خود برخوردار باشند.

خلاصه و نتیجه گیری

عناصر اصلی ریسک‌ها و اجزای اساسی موفق یکپارچه مدیریت ریسک به طور خلاصه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت. ضمناً براین نکته تأکید شده است که تعهد مدیریت ارشد برای ایجاد نظام یکپارچه مدیریت ریسک، عنصر اصلی برای کسب موفقیت به شمار می‌رود. به علاوه، برای تطبیق موفق با یک محیط جدید تماماً کنترل شده ریسک، به یک فلسفه مشخص و تعریف شده و همچنین منابع کافی نیاز داریم.

را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. محیط‌های درونی یا بیرونی که یک بانک در آن کار می‌کند، می‌تواند ریسک‌های عملیاتی را بیار آورد. این ریسک‌ها به طور مشخص می‌توانند توسط بازارها، تکنولوژی، استراتژی‌ها، مشتریان، خدمات یا مدل‌های بکار گرفته شده توسط مؤسسات مالی ذریبیط بوجود آیند. سیاست ریسک عملیاتی مناسب باید اساساً به اموری همچون ریسک‌های محصولات جدید، نظام‌ها و همچنین تطبیق با مقررات پردازد.

ب) متدولوژی‌های ریسک:

متدولوژی در نظام‌های مدیریت ریسک، کاربرد فرمول‌های مقتضی برای اندازه‌گیری ریسک و ایجاد اطمینان از بکارگیری متدولوژی‌های پذیرفته شده را

○ مهمترین ریسک بازار سرمایه عبارتست از ریسک نقدینگی ناکافی برای ایفای تعهدات مالی.

مورد بررسی قرار می‌دهد. به طور مثال، کاملاً پذیرفته شده است که ریسک بازار و ریسک اعتباری باید با استفاده از مدل و چارچوب "ارزش تحت ریسک" (VAR) تعریف و مشخص شود. مؤسسه مالی باید تحت این چارچوب به ایجاد ابزارهای اندازه‌گیری مناسب پردازد تا اطمینان حاصل شود که در چنان محدوده کارآمدی عمل می‌کند که نیازمند اجرای روش «بازده تعدیل شده نسبت به ریسک سرمایه» (Risk-Adjusted Return On Capital (RAROC) می‌باشد.

ذکر این نکته ضروری است که در عرف تعدیلات ارزش‌گذاری، قیمت متوسط بازاری معامله منهای مجموع زیان اعتباری مورد انتظار، و در هنگام ارزش‌گذاری یک معامله مشتقه همگن، هزینه‌های اداری ذریبیط مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، لازم است که منطق

بر بگیرد: الف) سیاست‌های ریسک، ب) متدولوژی‌های ریسک، پ) زیربنای مدیریت ریسک.

ذیلاً نگرش‌های اصلی در خصوص متغیرهای عنوان شده در فوق به تفصیل آورده شده است.

الف) سیاست‌های ریسک:

یک نظام یکپارچه مدیریت ریسک باید بر عناصر اصلی مدیریت ریسک متمرکز باشد. این عناصر عبارتند از: مدیریت حد (Limit Management)، تجزیه و تحلیل ریسک تخصیص سرمایه، هزینه و قیمت‌گذاری ریسک و مدیریت پورتفوی بانک ذریبیط.

سیاست‌های مربوط به مدیریت ریسک باید از استراتژی تجاری مؤسسه مالی مربوطه و همچنین گروه ریسک انتخاب شده از سوی مدیریت جدا شوند. برای هر کدام از عناصر ریسک تحت مدیریت (یعنی ریسک بازار معامله، ریسک اعتباری و ریسک عملیاتی) باید یک سیاست مشخص ریسک تدوین شود. هر سیاست ریسک بازار باید قادر باشد تا با یک شیوه آماری (یعنی در قالب عدد و رقم) بدترین حالت زیان قابل قبول یک مؤسسه مالی را طی یک دوره زمانی معین توضیح دهد. این چنین سیاستی باید تمامی سناریوهای ممکن و حرکت‌های منحنی بازده شامل انتقالات منحنی در اثر حالات مختلف ساختار نرخ بهره را در نظر بگیرد.

یک سیاست بهینه ریسک اعتباری امکان اندازه‌گیری روزانه کلیه ریسک‌های مرتبط، شامل موارد مربوط به حساب‌های خارج از ترازنامه را به ما می‌دهد. این اندازه‌گیری‌ها باید براساس محاسبه "ارزش روز بازار" (Market-to-Market) به علاوه میزانی برای حد ریسک‌پذیری مربوطه صورت گرفته باشد.

سیاست‌های ریسک عملیاتی مناسب، کلیه زیان‌های ممکن ناشی از اتفاقاتی مانند عدم موفقیت (ناکامی) تکنولوژی، وقفه تجاری یا نقض فرایندها

(۳) منظور، اثر انتقالی یک عامل بر مجموعه‌ای از عوامل دیگر است (Domino effect).

(۴) کمیته‌ای که درصد سرمایه به دارایی بانک‌ها را تعیین می‌کند.

ماخذ

Farouk El - Kharouf and Maria - Magdalena Popescu/ Basic Elements of an Integrated Risk Management System/ The Arab Bank Review/ Vol. 1/No.1/ October 1999.

به نقل از بولتن مالی و اقتصادی بین‌المللی

یادداشت‌ها

(۱) کشورهای گروه ۱۰ (G10) عبارتند از آلمان، سوئد، امریکا، سوئیس، کانادا، ایتالیا، هلند، فرانسه، بلژیک، ژاپن.
(۲) برای جزئیات بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید:

-Parker, George / 1995 / Dimension of Risk Management : Definition and Implication for Financial Services: 1-16, in Risk Management Problems and Solutions / McGraw Hill.

-Mark, Robert M./ 1997/ Optimal Firm- Wide Risk Management : The Whole Company Approach. Risk Management for Financial Institutions/ Risk Publications.

ریسک‌هایی را که در یک مؤسسه مالی باید اندازه‌گیری، کنترل و مدیریت شوند، می‌توان به سه دسته طبقه‌بندی کرد: اعتباری، بازاری و عملیاتی. در طی متن توضیح مختصری در مورد هر کدام و اجزای متشکله آنها ارایه شد.

عناصر چهارچوب مدیریت ریسک در قالب مفاهیم سیاست‌های ریسک، متدولوژی‌های ریسک و زیربنای مربوطه تشریح شده‌اند.

یک نظام یکپارچه مدیریت ریسک علاوه بر موارد فوق‌الذکر، باید شامل نظامی برای اندازه‌گیری دقیق ریسک و نظامی برای ترکیب (تلفیق) ارزش این ریسک‌ها باشد. ■

برگه اشتراک

بانک و اقتصاد
BANK VA EGHTESSAD

تاریخ

نام و نام خانوادگی مشترک:
سن: تحصیلات: شغل:
شماره‌های درخواستی: از شماره تا شماره
نشانی پستی:
شماره تلفن تماس:

مشترک‌گرومی

* هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۱۵۰۰۰ ریال و برای یک سال ۳۰۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۲۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱+۲ / صندوق پستی: تهران / ۱۴۱۵۵-۵۵۴۸